



مصاحبه با دکتر طالبی جهرمی عضو هیئت علمی گروه گیاه پزشکی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران



امید اتقیا، دانشجوی دکتری بیماری شناسی گیاهی

پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران

در این نسخه تصمیم گرفتیم با یکی از اساتید پیشکسوت و به نام گروه گیاه پزشکی در حوزه سم شناسی کشاورزی، جناب آقای دکتر طالبی، گپ و گفت صمیمی‌ای داشته باشیم، به دفتر کارشان در بخش حشره شناسی سری زدیم. ایشان مثل همیشه با روی گشاده از ما استقبال نمودند و لحظات خوشی را برای ما به یادگار گذاشتند که برای شما نیز نقل می‌کنیم:

با سلام، لطفاً خودتان را معرفی کنید؟

بنده خلیل طالبی متولد سال ۱۳۲۷ در جهرم هستم. دوره ابتدایی را در جهرم گذراندم. دوره دانشگاه را در دانشکده علوم تهران رشته شیمی خواندم. با همان مدرک کارشناسی رشته شیمی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران به عنوان مربی استخدام شدم. بعد از مدتی که مربی آزمایشگاه بودم، برای ادامه تحصیل به خارج رفتم. کارشناسی ارشد را در رشته شیمی تجزیه در دانشگاه داکوتا آمریکا گذراندم. در سال ۱۳۵۷ که انقلاب شد، به وطن بازگشتم و بعد چند سال به دانشگاه ردینگ انگلستان رفتم و دکتری را در زمینه شیمی و بیولوژی کار کردم.

دوران تحصیل در دانشگاه چگونه گذشت؟

رشته شیمی یکی از رشته‌های پنج گانه دانشکده علوم تهران بود که دروس عمومی، پایه و... را می‌گذرانیدیم و پایان نامه نداشت. دوره کارشناسی ارشد، بر روی شیمی تجزیه، کروماتوگرافی و انواع اسپکتروسکوپی‌ها کار کردم. در دوره دکتری تجزیه آفت کش‌ها در خاک را کار کردم. تجاربی در زمینه مقاومت حشرات به آفت کش‌ها نیز کسب کردم.

مقایسه دانشگاه در دوره قبل با حال را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظرم دانشجویانی که در گروه هستند به خوبی کار می‌کنند. البته تفاوت‌هایی بین آن‌ها از نظر دقت کاری و نیز وقتی که صرف می‌کنند، وجود دارد. دانشجویان به اندازه پتانسیل و توانایی که دارند، کارهای آزمایشگاه و مزرعه را انجام می‌دهند. غالب دانشجویان در آزمایشگاه مواد و وسایل مورد نیاز کافی در دسترس ندارند؛ بنابراین برای رسیدن به نتایج مطلوب همواره باید روش‌ها را تغییر داده و دستکاری کنند. آن‌ها در دوره فرصت مطالعاتی امکانات بیشتری در دسترس دارند و بنابراین بخشی از کار پیش‌بینی شده در پروپوزال را بهتر و کامل‌تر انجام می‌دهند. تجهیزات آزمایشگاهی دانشگاه تهران کم نیست اما





آیا الگو اخلاقی یا علمی خاصی داشتید؟

اشخاصی را از نظر علمی می‌شناختم (داخل یا خارج کشور) و تلاش می‌کردم که روش‌های آن‌ها را دنبال کنم. برای این منظور در کلاس‌های کلیه دروس مربوط به تخصص خودم شرکت می‌نمودم.

چرا رشته گیاه پزشکی؟ چه شد که پردیس کشاورزی را به عنوان محل کار خود انتخاب کردید؟

انتخاب و قصدی نداشتیم. سال آخر یکی از اساتید دانشکده علوم گفتند از دانشکده کشاورزی تماس گرفتند که مشتاق هستند فردی را جذب کنند که زمینه شیمی داشته باشد و بتواند در فعالیت‌های آزمایشگاهی کمک نماید. نامه زدند. من به دانشکده آمدم. مقداری وسایل اندازه‌گیری سموم خریداری کردند. آزمایشگاه سم‌شناسی در ساختمان بیولوژی، طبقه سوم، آخرین اتاق سمت راست واقع بود. در آزمایشگاه تعدادی شیشه‌آلات، داروهای شیمیایی، یک دستگاه پمپ خلأ و یک دستگاه ساده که با آن می‌شد صفحات کروماتوگرافی درست کرد. مقداری سیلیکاژل هم موجود بود. با آن‌ها شروع به کار کردم. کروماتوگرافی روی صفحه یک روش شناخت کیفی و تا حدی نیمه کمی است که می‌تواند سموم متفاوت را باهم مقایسه کند. با این فن می‌توان آزمایش‌های اولیه را انجام داد. همچنین عملیات دروس را نیز برای دانشجویان کارشناسی انجام می‌دادم.

جوابگوی نیاز دانشجویان نیست. فزون بر این مشکلات مالی عاملی محدودکننده برای نشان دادن و عملی کردن ظرفیت فکری و ذهنی دانشجویان است.

از دوران تحصیل خود (چه خارج چه داخل کشور) چه خاطرات به یادماندنی دارید؟ لطفاً از آن‌ها برای ما بگویید.

در خارج سیستم آموزشی متفاوت است و کمی طول می‌کشد تا دانشجویانی که به خارج می‌روند با آن سازگار شوند. کارایی بعضی از درس‌هایی که در خارج خوانده می‌شود زیاد است. دانشجو به‌طور ملموس حس می‌کند که در موضوع اعم از نظری یا عملی پیشرفت می‌کند. هرروز در دروس تحولی ایجاد می‌کنند تا خسته‌کننده نباشد. از نظر محتوا مشابه محتوای دروس داخل کشور است و تفاوتی ندارد اما نحوه ارائه و روش انتقال البته به کمک وسایل کمک آموزشی بهتر انجام می‌گیرد، به نحوی که باعث افزایش اشتیاق و کنجکاوی دانشجویان می‌شود. مثلاً نحوه برخورد اساتید خارج از کشور با دانشجویان در یک بحث تئوری یا عملی به این صورت بود که اگر در مورد موضوعی نظر متفاوتی داشتند که خیلی وقت‌ها حق با آن‌ها بود، می‌گفتند شما این‌گونه فکر می‌کنید اما بنده بدین نحو فکر می‌کنیم و شخص را متوجه اشتباه خود می‌کردند که این نوع رفتار بسیار آموزنده است.





از نظر شما یک دانشجوی گیاه پزشکی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد تا بتواند در آینده فردی با علم و موفق باشد؟

در گذشته دانشجوی گیاه پزشکی اطمینان داشت که حداقل بعد از دوره کارشناسی استخدام قسمت‌های مختلف وزارت کشاورزی می‌شود. مشوق بیشتر آن‌ها شغل بود. اما در حال حاضر این وجود ندارد. ضمن اینکه همه دانشجویها از نظر علاقه‌مندی و پشتکار یکسان نیستند. البته گروه دیگری از دانشجویان بیشتر علاقه‌مند هستند و وقت بیشتری را صرف امور درسی و پژوهشی می‌کنند. این‌ها تقریباً هم توانایی و هم تمایل بیشتری به یادگیری دارند و علاقه دارند به مدارج بالاتر علمی در داخل یا خارج از کشور برسند. فارغ از اینکه به شغل آینده فکر کنند، مشتاق هم هستند. اساتید را هم بر سر شوق می‌آورند. این‌ها دانشجویان موفق هستند.

به نظر شما چه عواملی باعث تفاوت بین دانشجویان سالیان گذشته با دانشجویان حال حاضر شده است؟

گذشته از علاقه‌مندی دانشجویان به کسب علم بیشتر و تمایل و جاذبه‌های بیشتر برای یادگیری مفاهیم کتابی یا تکنیک‌های آزمایشگاهی، در گذشته محرک‌هایی بود که حالا نیست. از یک طرف دامن و وسایل آموزش‌های الکترونیکی چندان گسترده نبود و البته سرگرمی‌ها غیر هم زیاد نبود، دانشجویانی که به دانشگاه می‌آمدند یکی از مواردی که خیلی برای آن‌ها جذاب بود، شور و شوق برای فراگیری مطالب علمی نو که شیوه ارائه و سطح آن با دبیرستان متفاوت بود و گاهی فعالیت در امور فوق برنامه بود و شاید برای بعضی هر از چند گاهی یک فیلم سینمایی که به تحرک و رفتن به سینما نیاز داشت. جوان‌ها کنجکاو هستند و مطالب نو اعم از تئوری و عملی برای آن‌ها جاذبه دارد. ولی الان در کنار فعالیت‌های درسی زمینه برای وقت گذرانی دانشجویان، شامل گشت زنی در دنیای بی‌پایان اینترنت، گوشی و... تقریباً برای همه به سهولت و در حال استراحت فراهم است و نیازی هم به جابجایی ندارد. مطالب علمی، سرگرم کننده، حتی هنری که باعث می‌شود وقت آن‌ها صرف شود. بیشترین تعداد دانشجویان در دوره کارشناسی می‌باشند که فرصت‌های شغلی معینی در انتظار آن‌ها نیست. افزون بر این دانشجویان از امکانات دانشجویان کشورهای دیگر هم کم‌وبیش باخبرند و این باعث

برانگیخته شدن انتظار در آن‌ها می‌شود. پس علاقه‌مندی و دلگرمی بعضی دانشجویان کم می‌شود و با خود می‌گویند آینده شغلی من چه می‌شود؟ دانشجویان بلا تکلیف هستند. اگر آینده شغلی تضمین بود، علاقه‌مندی و کشش آن‌ها بیشتر می‌شد. خود بنده وقتی که به خارج رفتم، چون مدتی مربی بودم، می‌دانستم در ایران دانشجویان چه می‌خواهند و چه انتظاری دارند. پس تردیدی نداشته و سعی کردم کارهای خودم را به سمتی سوق بدهم و در کلاس‌هایی شرکت کنم که در این موضوعات با تجربه شوم تا بتوانم پاسخگوی آن‌ها باشم.

اگر به گذشته برگردید، باز هم انتخاب‌هایی را خواهید داشت که تاکنون داشته‌اید؟

بله. درست است که آمدن بنده به اینجا بخشی تصادفی بود اما همین راه را می‌رفتم. کارهایی که انجام می‌دهم، منظورم فعالیت‌های فکری و ذهنی که شامل درس‌ها می‌شود، برای بنده جذابیت دارد. به حدی وسیع هستند که هرچه وقت گذاشته شود باز هم جای کار دارد.

آیا به ایران بازمی‌گشتید؟

عده‌ای فکر می‌کنند که در خارج از کشور در هر حال موفق می‌شوند؛ اما این بستگی به شخص دارد. خارج از کشور برای یادگیری و انجام آزمایش‌ها مثلاً در دپارتمان‌های علمی راحت‌تر و گاهی دل‌نشین است و البته شاهد تفاوت‌هایی در فرهنگ رفتاری در دانشگاه خارج و داخل و نیز در مورد امکانات هستیم و شخص پیشرفت را حس می‌کند. در خارج زندگی نیز برای دانشجویان آسان‌تر است. اگر بورس داشته باشید عرض می‌کنم؛ اما از نظر روحی برخی آدم‌ها پابندی دارند که به وطن خودشان برگردند. کشوری که در آن به دنیا آمدند و بزرگ شدند. شخصی مثل بنده که یک موقعیت و مسئولیت شغلی هم پیدا کرده تمایل بیشتری برای بازگشت دارد و اگر خارج می‌رفتم گرچه تمایل داشتم برای مدتی آنجا بمانم و کار کنم و کسب تجربه، اما حتماً برمی‌گشتم.

میانه شما با ورزش چگونه است؟ و تفریح مورد علاقه‌تان چیست؟

ورزش را دوست دارم اما ورزش‌هایی با مهارت بالا را فقط در



و تفریح مورد علاقه؟

تفریح بنده کوهنوردی است. ساعت ۵ تا ۵:۴۵ صبح تا نزدیک ظهر با همکاران می‌روم که برای بنده خوشایند است. من رانندگی و سفر را نیز خیلی دوست دارم. با توجه به سن خودم، استقامت رانندگی نسبتاً بالایی دارم. همین ماه گذشته، یک روز یکسره تا مشهد رانندگی کردم (ماشالله).

طرفدار تیم استقلال هستید؟

خیلی طرفدار آتشین فوتبال نیستم که مثلاً از نتیجه سخت ناراحت شوم اما از باخت آبی‌ها خوشحال نمی‌شوم.

موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری خود را بفرمایید و اینکه به چه زمینه تخصصی تحقیقی بیشتر علاقه‌مند هستید؟

در دوره دکتری بر روی تجزیه کاربوفوران در خاک کار کردم. این آفت‌کش از گروه کاربامات‌ها است. تأثیر عوامل مختلف در تند و کند شدن تجزیه آن در خاک را بررسی نمودم. مثلاً با کاربرد مهارکننده آنزیم در خاک. کاربوفوران در خاک دچار تجزیه سریع می‌شود. در صورتی که باید آفت هدف را کنترل کند، باقی آن هم در محیط نماند. در مورد کاربوفوران این زمان آن مقداری نبود که آفت را کنترل کند. قبل از عمل، توسط میکروبی‌های خاکزی تجزیه می‌شد که البته موضوع این رساله به نفع محیط‌زیست نبود چون ماندگاری آفت‌کش را مثلاً برای مدت چند روز تا یک هفته در خاک افزایش می‌داد. در دوره ارشد بیشتر روی کروماتوگرافی گازی و اسپکتروفتومتری کار کردم.

بالاخره سم یا خوب است یا خیر؟

این سؤال مثل این است که بپرسیم آیا مصرف داروهای پزشکی خوب است؟ تقریباً به همان صورت بنابر این ما مجبور هستیم برای جلوگیری از خسارت آفات و بیماری‌ها و علف‌های هرز (خسارت حدود چهل درصد محصول) آفت‌کش را مصرف کنیم. ولی بهتر است با شناخت بیشتر خواص آن‌ها، با انتخاب مناسب‌تر و البته به روش علمی به نحوی مصرف کنیم که به مقدار کمتری در طبیعت ریخته شوند. تجربه نشان داده اگر دز مصرفی را پایین بیاوریم، در مواردی کم‌وبیش می‌توانیم همان نتیجه مصرف دز توصیه‌شده را بگیریم.

مقاطع خاصی از زندگی غالباً دوران نوجوانی و جوانی می‌توان کسب کرد. در دوران دبیرستان که بودم، در شهر ما ورزش بسکتبال محبوب بود. کمی در این ورزش کار کردم اما حرفه‌ای خیر. ولی ورزشی که تابه‌حال ادامه دادم کوه‌پیمایی است. از دهه ۶۰ تابه‌حال پیاده‌روی با کمی ارتفاع (Hiking) انجام می‌دهم. این با کوهنوردی (Mountain Climbing) تفاوت دارد. هر انسانی که بخواهد سالم بماند باید نرمش روزانه انجام دهد. بنده استخر هم می‌روم. به‌طور شخصی و تجربی شنا را فراگرفتم.

فوتبالی هستید؟

به‌عنوان بازیکن خیر ولی جلب و جذب نتایج و تیم‌ها می‌شوم. شاید از جام جهانی ۶۶ که ۱۶ تیم در آن بودند و در نبود تلویزیون با مطالب روزنامه نتایج را دنبال می‌کردیم شروع شد. آن روزها پله و گارینشا در تیم برزیل، اوزمبیو در تیم پرتغال، یاشین دروازه‌بان شوروی، بکن بائر و زیلر در تیم آلمان و بابی و جکی چارتون در تیم انگلیس شاخص بودند. یک خاطره فوتبالی از روزهایی که در آمریکا که بودم، درسی را با عنوان Instrumental Analysis داشتیم که باید وقت زیادی را صرف آن می‌کردیم. یک روزی که مشغول مطالعه و آماده کردن این درس بودم، آمدند گفتند تیم فوتبال ایران دهنفهره است و دروازه‌بان نداریم. آن روز ما ایرانی‌ها با تیم نروژ بازی داشتیم. لباس تیم نروژ یکسان و استاندارد اما لباس تیم ایران نامتجانس و رنگارنگ بود. ابتدا در بازی بودم چون سرعت نسبتاً بالایی در دویدن داشتم. بعد از مدتی از شروع بازی با صدای بگیرش، بگیرش هم‌تیمی‌ها سعی در متوقف کردن یک بازیکن حریف داشتم و روی یکی از بازیکنان نروژ نیز خطایی کردم که به زمین خورد. بعد قرار شد بروم دروازه. بنده هم رفتم درون دروازه ایستادم. تا آن روز فکر نمی‌کردم دروازه به این اندازه بزرگ و عریض باشد. هر طرف می‌ایستادم یک طرف دروازه باز و وسیع بود. چند تا شوت زدند که اوایل کار کنترل کردم اما در نیمه دوم تیم ایران از لحاظ بدنی کم آورد و تیم نروژ به سرعت به دروازه می‌رسید و پشت سرهم حمله می‌کرد و تنها مانده بودم. تعداد زیادی گل خوردیم. طوری که هنوز از افسوس گل قبلی فارغ نشده گل بعدی وارد دروازه می‌شد. شب هم تلویزیون آن شهر نشان داد.



در کارتان به چه چیزی بیشتر از همه افتخار می‌کنید؟

چیزی که ماندگار می‌شود، نوشتن یک دل‌مشغولی است. بنده هم به مقالات و کتاب خودم مشغول هستم؛ اما نوشته‌هایی که پایه بیولوژیکی دارند دیر یا زود کهنه می‌شوند. ولی آن چیزی که مایه افتخارم است دانشجویان خوبی است که گروه تربیت‌کرده و من هم با آن‌ها درس داشتم. البته من تربیت نکردم. الان این دانشجویان، استاد و همکار ما شدند یا به خارج از کشور رفتند و یا سمتی دارند و به‌نوعی موفق هستند، این‌ها باعث افتخار بنده هستند.

انتشارات بنده کتاب سم‌شناسی آفت‌کش‌ها است که مطالب جدیدی از آن را در چاپ ششم با کمک برخی همکاران خود که تخصص‌های عمیق‌تری دارند در حال نوشتن هستیم. پنج چاپ قبلی را به‌تنهایی انجام دادم. اکنون چاپ ششم در حال بازنگری و ویرایش است. کتاب بعدی، اندازه‌گیری باقیمانده آفت‌کش‌ها در محصولات کشاورزی است که به کمک دکتر ترابی نگاشته شده است.

موفقیت را چگونه توصیف می‌کنید؟

هرکسی در ذهن خود دنبال آرزو یا هدفی است. اگر بتواند به این هدف خود جامع عمل بپوشاند، موفقیت کسب کرده. مثلاً در زمینه‌های مختلف مانند موفقیت علمی یا موفقیت در یک موضوع تحقیقی خاص، کسب مدارج و مدارک علمی یا حتی در زندگی شخصی خود می‌تواند موفق شود. اگر شخص احساس کند در موقعیتی که دارد مفید است، این موفقیت است. الان دارندگان مدرک کارشناسی ارشد کم نیستند و گرفتن آن باوجود مؤسسات آموزش عالی و... برای افراد آسان شده و دست‌یافتنی است؛ اما گذراندن همین دوره برای یک دانشجوی علاقه‌مند و مصمم به ادامه تحصیل که با اندوختن علم و تجربه و کار مداوم می‌خواهد این مرحله را پشت سر بگذارد، یک موفقیت است. ولی شاید از نظر کسی که همه‌چیز را کمی می‌بیند و بر اساس مادیات ارزش‌گذاری می‌کند، موفقیت محسوب نشود. پس موفقیت امری نسبی است.





بر روی یکی از قفسه‌های کتاب در اتاق عکس‌هایی زده شده بود که توجه ما را جلب کرد از ایشان خواستیم که در مورد عکس‌ها برای ما بگویند:

"عکس‌های یادگاری با مؤلف کتاب Toxicology of Insecticides Prof. Crosby Yamamoto، استاد بازنشسته دانشگاه دیویس، که در سنتز نیکوتینوئیدها شرکت داشته، Mathews مؤلف کتاب ماشین‌های سم‌پاش، M. B. Isman که روی اسانس و عصاره در کشور کانادا کار می‌کند، G. Seiber سردبیر Agric. Food Chem، R. Nauen و I. Denholm که روی مقاومت حشرات کار می‌کنند و T. Shibamoto استاد دانشگاه دیویس که تمامی عکس‌ها در سفرها و کنگره‌های مختلف گرفته شده است.

در پایان اگر سخن یا توصیه‌ای دارید بفرمایید. توصیه من به دانشجویان این است که سعی کنند از وقت خود در دوران تحصیل بهره ببرند، بالاخره وقتی صرف می‌شود. انسان هرچه یاد بگیرد، به‌ویژه مواردی که خود علاقه‌مند به آن است و در آن استعداد دارد و یا مردم او را با آن حرفه می‌شناسند، روزی برای او مفید و لازم خواهد شد. مثل یادگیری و مهارت در کار با یک دستگاه آزمایشگاهی یا یک نرم‌افزار. امروزه برای تأمین آینده باید آموزش حرفه‌ای دید و تداوم در یادگیری و کسب مهارت را همواره مدنظر داشت.

بنده روی کسب تجربه و تخصص حرفه‌ای دانشجویان تأکید می‌کنم.

سپس از استاد تقاضا نمودیم دست خطی خطاب به خوانندگان این نشریه و همه‌ی دانشجویان بنویسند.

